

اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد ارتباطی ستیر بر عملکرد زوجهای ناکارآمد

دکتر محمود گودرزی*

دکتر شکوه نوابی نژاد**

فرشاد محسن زاده***

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد ارتباطی ستیر بر عملکرد زوجین ناکارآمد انجام شده است. روش انجام پژوهش از نوع نیمه آزمایشی بوده و افراد نمونه با توجه به طرح به کار رفته (طرح کنترل گروههای نابرابر) که از طرحهای نیمه آزمایشی است، در گروه آزمایش و کنترل به شیوه تصادفی جایگزین شدند. نمونه این پژوهش ۱۲ خانواده، یعنی زن و شوهر (۶ زوج در گروه آزمایش و ۶ زوج در گروه کنترل) مراجعه کننده به مرکز مشاوره دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و بخش روانپزشکی بیمارستان آیت الله طالقانی بودند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون t استودنت برای مقایسه میانگینها استفاده شده است. ابزار این پژوهش مقیاس سنجش عملکرد خانواده بوده است. تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که مشاوره گروهی با رویکرد ارتباطی ستیر باعث بالا رفتن کارایی زوجین در مقوله های حل مشکل، ارتباط، نقشها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده شده است.

کلیدواژه ها: ارتباط، رویکرد ستیر، زوجین ناکارآمد، مشاوره گروهی، مقیاس سنجش عملکرد خانواده.

پذیرش: ۸۶/۱۲/۵

دریافت: ۸۶/۱۰/۲

Mg-sau@yahoo.com
navabinejat@yahoo.com
farshadm56@gmail.com

*عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان
**استاد دانشگاه تربیت معلم تهران
***دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران

مقدمه

خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه و به‌عنوان کوچکترین واحد اجتماعی (که فرد تجربه زندگی را در آن کسب می‌کند) همواره مورد توجه پژوهشگران و محققان علوم انسانی و به‌ویژه روانشناسان، مشاوران و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. امروزه روانشناسان و متخصصان خانواده درمانی خانواده را همانند ارگانیزم بیولوژیکی دارای یک سازمان منسجم و یکپارچه می‌دانند. آنها اعتقاد دارند که خانواده نیز به‌عنوان یک کل یا تمامیت با ساختار، قوانین و اهداف، کارکرد و عملکرد معینی دارد (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۳).

خانواده پناهگاه و کانون ویژه‌ای برای رفع نیازهای روانی، عاطفی است و کانون التیام‌بخش دردها و رنجهای زندگی است و روابط زناشویی نیز به این بافت معنای خاص خود را می‌دهد (ثنایی، ۱۳۷۵).

یکی از مؤلفه‌های کارایی خانواده و رفع نیازهای روانی و عاطفی اعضا، برقراری ارتباط مؤثر در بین اعضای خانواده می‌باشد. ارتباط روشن و قوی بین اعضای خانواده موجب رشد احساسات، ارزشها، بلوغ عاطفی و کارآمدی رابطه در سیستم خانواده می‌شود. ارتباط مؤثر، سنگ زیربنایی خانواده سالم و موفق است؛ به عبارت دیگر وقتی خانواده‌ای از الگوهای ارتباطی مؤثر استفاده می‌کند، انتقال و درک واضحی از محتوا به قصد هر پیامی دارد، نیازهای روانی اعضای خانواده را ارضا می‌کند و ارتباط زوج و شرکت در اجتماع را تداوم می‌بخشد. نوع نظام خانواده و الگوهای ارتباطی اثر مهمی بر اعضای خانواده دارد؛ زیرا شخصیت، یادگیری، اعتماد به نفس، قدرت انتخاب، خودپنداره، عزت نفس و تصمیم‌گیری منطقی افراد خانواده، همه به نوع اطلاعات و نحوه انتقال آن در بین اعضای سیستم خانواده وابسته است (ابراهیمی، ۱۳۸۱).

پیامد نظامهای خانوادگی ناکارآمد عزت‌نفس پایین و رفتار تدافعی است، درحالی‌که انگیزه اساسی بشر تقویت اعتماد به نفس و دفاع از آن علیه تهدیدات وارد شده است. ستیر ارتباط تدافعی را به چهار سبک طبقه‌بندی کرد که او به آنها «حالت‌های بقا»^۱ اطلاق داد: ۱- سازشگر^۲ ۲- سرزنشگر^۳ ۳- ابر منطقی^۴ ۴- بی‌ربط گو^۵.

هنگامی که نقش سازشگر وجود داشته باشد احساسات ما در رابطه با ارزش خود نادیده گرفته می‌شود، قدرتمان در اختیار شخص دیگری قرار می‌گیرد و به همه چیز بله گفته می‌شود. سازشگر گاهی به‌عنوان خشنودکردن جلوه می‌کند، یک عمل کاملاً پسندیده در بیشتر فرهنگها و خانواده‌ها گفته می‌شود. با این وجود، سازش کردن تلاش منسجم برای خشنودکردن متفاوت است. ما به خاطر ارزش شخصی سازش می‌کنیم، سازشگر احترام به نفس را انکار می‌کند و به مردم این پیغام را می‌دهند که من مهم نیستم. ما بر تقبل سرزنش برای چیزهایی که به اشتباه روی می‌دهند، پافشاری می‌کنیم. ما مسؤولیت را به‌عهده می‌گیریم حتی اگر مجبور باشیم برای یافتن علت اشتباه خود اغراق کنیم.

فرد سرزنشگر کاملاً مخالف سازشگر است. حالت سرزنشگر یک شیوه ناهماهنگ برای منعکس کردن قانون جامعه است مبنی بر اینکه ما باید از خودمان دفاع کنیم و عذرها، مزاحمتها یا سوء استفاده از شخص دیگری را نپذیریم. ما نباید «ضعیف» باشیم. ما برای محافظت کردن از خودمان، افراد دیگر را در موقعیتهای مختلف آزار داده و آنها را محکوم می‌کنیم. سرزنش کردن نادیده گرفتن دیگران است.

1. Survival Stances
2. Placator
3. Blamer
4. Super-Reasonable
5. Irrelevant

فرد ابر منطقی، خود و شخص دیگر را نادیده می‌گیرد. ابر منطقی بودن به معنای عمل کردن با احترام در موقعیت خاص و بیشتر در سطح منطقی است. ما به خودمان یا دیگران اجازه توجه به احساسات نمی‌دهیم. این قانون جامعه را منعکس می‌کند مبنی بر اینکه بلوغ به معنای حرکت نکردن، نگاه نکردن، لمس نکردن یا احساس نکردن عواطف است.

چهارمین حالت حیاتی، بی‌ربط‌گو بودن است که عموماً با حالت سرگرم کننده یا دلچسپ‌وار بودن گیج می‌شود. الگوی بی‌ربط بودن آنتی‌تزی الگوی ابر منطقی بودن است. هنگامی که مردم بی‌ربط هستند، آنها به‌طور پیوسته حرکت می‌کنند. این تلاش برای منحرف کردن توجه افراد از موضوعات مورد بحث است. آنها بر تغییر دادن عقاید خود تداوم می‌ورزند و می‌خواهند فعالیت‌های زیادی را به‌طور همزمان انجام دهند (ستیر، ۱۹۹۷). وی در فرآیند درمان سعی می‌کرد خانواده را از ارتباط تدافعی به سمت ارسال پیام‌های واقعی، اصیل، مستقیم و در بافت مناسب سوق دهد، چرا که رشد اعضای خانواده نتیجه کیفیت ارتباط آنها با سایر اعضای خانواده می‌باشد. به اعتقاد وی رشد همیشه امکان‌پذیر است و با مداخله کردن در سطح «فرآیند^۱» به جای «محتوا^۲» به بهترین نحو تسهیل می‌شود و فرآیند همان شیوه تبادل پیام بین اعضای خانواده است که ارتباط متقابلی با سطح عزت نفس اعضا دارد.

برقراری ارتباط مؤثر در واحد زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که ساخت خانواده و الگوهای مرادده‌ای موجود در آن از ارتباط زن و شوهر شکل گرفته و نحوه برون‌سازی و تطابق این واحد دو نفری با تغییرات آتی سیستم خانواده ارتباطات اعضای دیگر (فرزند) با

1. Process
2. Content

یکدیگر و کارایی خانواده را تحت تأثیر قرار خواهد داد. اپشتاین، بالدوین و بیشاپ^۱ (۱۹۸۳)، به نقل از نجاریان، (۱۳۷۴) هفت بعد برای کارایی خانواده در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: حل مشکل، ارتباط، نقشها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی. این ابعاد به عواملی مانند چگونگی تقسیم وظایف بین اعضا، قدرت برنامه‌ریزی برای ادای وظایف، تعیین مرزها و نقشها برای اعضا، عادلانه و منطقی بودن وظایف و نقشها برای اعضا، حمایت از یکدیگر در مواقع بحران، ارتباط صریح، اعتماد متقابل، مسؤولیت‌پذیری، ابراز عواطف به یکدیگر و... مربوط می‌شوند.

با توجه به اهمیت موضوع و توجه به این امر که رویکرد ستیر بیشتر به صورت فردی برای درمان خانواده‌ها به کار گرفته شده است، این پژوهش درصدد بررسی اثربخشی این رویکرد به شکل مشاوره گروهی با برکارایی عملکرد زوجها پرداخته است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱) مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر بهبود عملکرد کلی زوجهای ناکارآمد، تأثیر مثبت دارد.
- ۲) مشاوره گروهی با رویکرد ستیر در حل مشکل زوجهای ناکارآمد، تأثیر مثبت دارد.
- ۳) مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر ایجاد ارتباط کارآمد در زوجهای ناکارآمد، تأثیر مثبت دارد.
- ۴) مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر روشن‌تر کردن نقشهای زوجهای ناکارآمد در روابط میان فردی آنان، تأثیر مثبت دارد.
- ۵) مشاوره گروهی با رویکرد ستیر در همراهی عاطفی زوجهای ناکارآمد، تأثیر مثبت دارد.

1. Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S.

۶) مشاوره گروهی با رویکرد ستیر در آمیزش عاطفی زوجهای ناکارآمد، تأثیر مثبت دارد.
۷) مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر کنترل رفتار زوجهای ناکارآمد در روابط میان فردی آنان، تأثیر مثبت دارد.

جامعه آماری، نمونه و روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش عبارت است از خانواده‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان شناختی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و افراد مراجعه کننده به درمانگاه روانپزشکی بیمارستان آیت ... طالقانی تهران.

محقق براساس روش نمونه‌گیری هدفمند از بین مراجعان، با توجه به شاخصهای زیر تعداد ۱۲ خانواده انتخاب کرد. نحوه انتخاب به این صورت بود که طی مصاحبه نیمه ساخت یافته با زوجین، درمانگر به چگونگی مشکلات این زوجین پی برده و سپس از میان آنها زوجهایی که دارای شرایط و ملاکهای زیر بودند، انتخاب شدند. لازم به ذکر است که این مصاحبه براساس الگوی مک‌مستر بوده است. این الگوی ارزیابی خانواده در اوایل دهه ۱۹۶۰ م. به وسیله اپستین، لوین و بیشاپ بنیان گذاری شد. این مدل، کارکرد خانواده را در ۶ بعد ارتباط، حل مشکل، ارتباط، نقشها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار می‌سنجد. بعد دیگری نیز با عنوان عملکرد کلی خانواده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. زوجهایی که دارای مشکلاتی در چارچوب ابعاد الگوی مک‌مستر بودند، انتخاب می‌شدند. در ادامه بر روی تک تک زوجین آزمون FAD^۱ اجرا شد. آن دسته از زوجهایی که نمرات هر دوی آنها در بالای خط برش (۲۴) قرار گرفت، به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. ملاکهای انتخاب زوجین عبارت بودند از:

1. Family Assessment Device

۱. حداقل تحصیلات دیپلم؛
 ۲. زوجین، تمایل به شرکت در جلسات داشته باشند (منظور این که قرارداد مشاوره‌ای را هر دو زوج امضا کنند)؛
 ۳. زوجین ازدواج اول‌شان باشد و حداقل دارای یک فرزند باشند؛
 ۴. حداقل یک سال از ازدواج آنها گذشته باشد؛
 ۵. زوجین زندگی مستقل داشته باشند (با والدین و سایر خویشاوندان در یک منزل زندگی نکنند)؛
 ۶. زوجین حداقل در دو حوزه از ابعاد جدول مک مستر دچار مشکل باشند؛
 ۷. زوجین از نظر وضع اقتصادی - اجتماعی در سطح متوسط باشند؛
- در پژوهش حاضر با توجه به مصاحبه تشخیصی از بین داوطلبان ۱۲ خانواده انتخاب شده و از این میان ۶ خانواده در گروه آزمایش و ۶ خانواده در گروه کنترل به صورت تصادفی جایگزین شدند؛ به طوری که در نهایت در هریک از گروه‌های آزمایش و کنترل، ۶ خانواده (۱۲ نفر) داشته باشیم.
- روشی که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به کار گرفته شده است، تحلیل اختلاف نمرات به دست آمده از طریق کم کردن نمره پیش‌آزمون هر زوج از نمره پس‌آزمون همان زوج و سپس محاسبه میانگین نمرات برای هر دو گروه و سرانجام مقایسه میانگین‌های محاسبه شده به وسیله آزمون t استودنت برای گروه‌های مستقل می‌باشد.

ابزار پژوهش

ابزار سنجش خانواده (FAD)

ابزار سنجش خانواده یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است که برای سنجیدن عملکرد خانواده بنا بر الگوی مک مستر تدوین شده است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد و ۶ بعد از عملکرد خانواده را مشخص می‌کند. این ابعاد از این قرار است: حل مسأله، ارتباط، نقشها؛ پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتار. در این صورت ابزار سنجش خانواده متناسب با این ۶ بعد، از ۶ خرده مقیاس برای سنجش آنها، بعلاوه یک خرده مقیاس هفتم مربوط به عملکرد کلی خانواده تشکیل شده است (ثنایی، ۱۳۷۹).

به هر سؤال ۱ تا ۴ نمره با استفاده از این کلید داده می‌شود: کاملاً موافق=۱، موافق=۲، مخالف=۳، کاملاً مخالف=۴. به سؤالات یا عباراتی که توصیف عملکرد ناسالم‌اند، نمره معکوس داده می‌شود. نمرات کمتر نشانه عملکرد سالمتر است. معدل پاسخ به سؤالاها که هر یک بین ۱ (سالم) تا ۴ (ناسالم) می‌شوده، برای بدست آوردن نمرات هفت مقیاس محاسبه می‌شود.

پایایی

این آزمون پس از تهیه به‌وسیله اپستین، بالدوین و بیشاپ در سال ۱۹۸۳ م. بر روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا شد. دامنه ضریب آلفای زیر مجموعه‌های آن بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ است که نشان می‌دهد از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است. در ایران تحقیقات انجام شده به‌وسیله نجاریان (۱۳۷۴)، امینی (۱۳۷۸) و بهاری (۱۳۷۹) بیانگر پایایی بالای این آزمون است. نجاریان (۱۳۷۴) اعتبار آزمون مذکور را بر روی ۵۱۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران برابر با ۰/۹۳ گزارش کرد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

روایی

ابزار سنجش خانواده (FAD) تا حدی دارای روایی همزمان و پیش بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج حدود ۶۰ سال با مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس، همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا نشان داده است. به علاوه این ابزار با قدرت متمایزسازی اعضای خانواده‌های بالینی و خانواده‌های غیربالینی در هر هفت خرده مقیاس خوددارای روایی خوبی برای گروههای شناخته شده است (به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱: مشخصات سنی شرکت کنندگان در پژوهش

فراوانی		سن
تعداد	درصد	
۷	۲۹/۳	۲۰-۲۴
۱۷	۷۰/۸	۲۵-۳۰
۲۴	۱۰۰	جمع

جدول ۱ مشخصات شرکت کنندگان در پژوهش را برحسب سن نشان می‌دهد؛ همانگونه که مشاهده می‌شود ۷۰ درصد از افراد در رده سنی ۲۵ الی ۳۰ سال قرار دارند و نیز میانگین سنی زن‌ها ۲۵ سال می‌باشد و میانگین سنی مردها ۲۸ سال است.

جدول ۲: آزمون‌های t گروه‌های مستقل برای فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	α	t جدول	d.f	t محاسبه شده	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه	ابعاد کارایی خانواده
ردفرض صفر	۰/۰۵	۱/۸۱	۱۰	۶/۰۵	۱/۶۱	۵/۵	۶	آزمایش	عملکرد کلی
					۰/۹۸	۰/۸۳	۶	کنترل	
ردفرض صفر	۰/۰۵	۱/۸۱	۱۰	۴/۷۱	۰/۹۲	۲/۴۲	۶	آزمایش	حل مشکل
					۰/۴۱	۰/۴۲	۶	کنترل	
ردفرض صفر	۰/۰۵	۱/۸۱	۱۰	۳/۳۷	۰/۵۲	۱/۲۵	۶	آزمایش	نقشها
					۰/۴۲	۰/۳۴	۶	کنترل	
ردفرض صفر	۰/۰۵	۱/۸۱	۱۰	۲/۸۴	۰/۵۲	۱/۲۵	۶	آزمایش	ارتباط
					۰/۵۰	۰/۴۲	۶	کنترل	
ردفرض صفر	۰/۰۵	۱/۸۱	۱۰	۲/۶۶	۱/۲۰	۱/۵۸	۶	آزمایش	همراهی عاطفی
					۰/۵۲	۰/۱۷	۶	کنترل	
ردفرض صفر	۰/۰۵	۱/۸۱	۱۰	۳/۰۳	۱/۰۸	۱/۵۰	۶	آزمایش	آمیزش عاطفی
					۰/۷۱	-۰/۱۰	۶	کنترل	
ردفرض صفر	۰/۰۵	۱/۸۱	۱۰	۴/۳۵	۰/۸۲	۱/۷۵	۶	آزمایش	کنترل رفتار
					۰/۶۷	-۰/۰۸	۶	کنترل	

با توجه به جدول ۲، چون مقدار t محاسبه شده در همه آزمونها از مقدار t بحرانی بزرگتر است. بنابراین با سطح آلفای $p < 0/05$ فرض صفر رد می‌شود و می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفت که رویکرد درمانی ستیر موجب بهبود عملکرد زوجهای ناکارآمد در هر هفت بعد کارایی خانواده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهشها در زمینه ارتباط نشان می‌دهد، هنگامی که ارتباط با پیامهای غیرکلامی و کلامی متناقض ارائه شود، افراد معمولاً اعتبار بیشتری برای جنبه‌های غیرکلامی تعامل قائلند. در حقیقت علامتهای غیرکلامی ممکن است افزون بر هفتاد و پنج درصد اطلاعاتی را که فرد از دیگران دریافت می‌کند، دربرداشته باشد.

به دلیل اینکه ارتباط زیربنای همه کارهای درمانی است، یک مفهوم انتزاعی به شمار می‌رود. بیشتر کارهایی که با زوجین انجام گرفته، نشان می‌دهد که ارتباط یک فرایند آموزش روانی است؛ به عبارتی دیگر زوجین در برقراری ارتباط با یکدیگر نیاز به آموزش فرایند ارتباط دارند تا به این طریق بتوانند در جهت جبران کمبودها و رفع مشکلات ارتباطی خود گام بردارند (ویکس و تریث^۱، ۲۰۰۱).

اگرچه روان‌درمانی برای قرن‌ها به کار گرفته شده است، اما تنها از زمانی که هانس آیزنک (۱۹۵۲) با بدعت‌گذاری، تأثیر روان‌درمانی را به چالش طلبید، این فکر کلی پدید آمد که باید در این زمینه به جمع‌آوری یافته‌های تحقیق پرداخت. تنها در دهه ۱۹۶۰، یعنی با شروع کارهای تازه مایکل گودر و دیگران بود که مطالعات سازمان یافته و کنترل شده‌ای درباره تأثیرگذاری مداخله‌های روان‌درمانی آغاز شد (کلارک و فربرن، ترجمه کاویانی، ۱۳۸۰).

فرضیه اول: مشاوره گروهی با رویکرد ستیر موجب بهبود عملکرد کلی زوجین نا کار آمد می‌شود.

^۱. Weeks G. R. & Treat S. R.

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و نتایج به دست آمده از تفاضل میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل که در جدول ۲ نیز به نمایش گذاشته شده است، نشان از تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر بهبود عملکرد کلی زوجین ناکارآمد بوده است. ستیر (۱۹۸۳) معتقد است که کارایی خانوادگی تحت تأثیر عواملی می‌باشد. از جمله حالت‌های ارتباطی، سطح عزت نفس افراد، نقشها و قوانین خانوادگی، باز یا بسته بودن سیستم خانوادگی و میزانی که افراد از منابع و تواناییهای خودشان در روابط بین فردی استفاده می‌کند. در نتیجه با توجه به داده‌های جدول ۲ می‌توان گفت که در صورت داشتن سبک ارتباطی همخوان، سطح بالای عزت نفس، نقشها و قوانین انعطاف‌پذیر، سیستم خانوادگی باز و استفاده از تمام منابع شخصی در برقراری روابط میان فردی می‌تواند در بهبود عملکرد خانواده‌ها مؤثر باشد.

فرضیه دوم: مشاوره گروهی با رویکرد ستیر در حل مشکل زوجین ناکارآمد تأثیر مثبت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و نتایج به دست آمده از تفاضل میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل که در جدول ۲ نیز به نمایش گذاشته شده است نشان از تأثیر مثبت مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر حل مشکل زوجین ناکارآمد می‌باشد. بنمن^۱ (۲۰۰۲) معتقد است که ستیر در درمان و در سه حیطه به مداخله می‌پردازد. درون‌روانی، خانواده اصلی و تعاملی. او معتقد است که افراد برای حل مشکلات و کنترل تفاوتها از پنج شیوه استفاده می‌کنند، که عبارتند از تعارض به‌عنوان راه حل، انکار به‌عنوان راه حل، مقایسه به‌عنوان راه حل، برطرف کردن به‌عنوان یک جواب و رشد به‌عنوان یک پیامد. در نتیجه می‌توان گفت چون در پژوهش حاضر این پنج شیوه به اعضا آموزش داده شد، زوجین در حل مشکلات خود موفقتر شده‌اند.

1. Banmen, J.

فرضیه سوم: مشاوره گروهی با رویکرد ستیر موجب روشن تر کردن نقشهای زوجین ناکارآمد در روابط میان فردی آنان می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و نتایج به‌دست آمده از تفاضل میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل که در جدول ۲ نیز به نمایش گذاشته شده است، بیانگر این مطلب است که مشاوره گروهی با رویکرد ستیر موجب روشن تر شدن نقشهای زوجین ناکارآمد در روابط میان فردی آنان می‌شود. ستیر (۱۹۸۳) معتقد است که خانواده‌ها سیستمهایی می‌باشند که به دنبال دستیابی به تعادل هستند. ستیر (۱۹۹۱) به توصیف نقشهای نامناسب پرداخت و همچنین به توصیف مثلث‌سازی در خانواده ناکارآمد پرداخت که در آن زوجین احساس دوری می‌کنند و به همدیگر اعتماد ندارند، در نتیجه آنها به دنبال برآورده کردن نیازهای خود از طریق فرزندان هستند و این امر خود ناکارآمدی را تشدید می‌کند و سبب می‌شود که فرزند به بیمار معلوم تبدیل شود. ستیر معتقد است در صورتی که نقشهای اعضا در خانواده مشخص و روشن باشد، کارآمدی خانوادگی نیز افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه چهارم: مشاوره گروهی با رویکرد ستیر موجب ارتباط کارآمد در زوجین ناکارآمد می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و نتایج به‌دست آمده از تفاضل میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل که در جدول ۲ نیز به نمایش گذاشته شده است، نشانگر این مطلب است که مشاوره گروهی با رویکرد ستیر موجب ارتباط کارآمد در زوجین ناکارآمد می‌شود. یکی از مفاهیم اساسی رویکرد ستیر ارتباط می‌باشد. ستیر (۱۹۸۳) و بنمن (۲۰۰۲) معتقدند در صورتی که اعضای خانواده به‌جای استفاده از سبکهای ارتباطی سازشگر، سرزنشگر،

ابرمنتقی و بی‌ربط‌گو از سبک ارتباطی همخوان استفاده کنند، عزت نفس اعضای خانواده افزایش پیدا می‌کنند و در نتیجه کارایی خانوادگی نیز افزایش می‌یابد.

ستیر، گربر و گومری^۱ (۱۹۹۱) بین ارتباط و عزت نفس همبستگی مستقیمی پیدا کرده‌اند، یعنی عزت نفس پایین را با ارتباط ضعیف همخوان همراه می‌دانند و عزت نفس بالا را با ارتباط قوی همخوان؛ همچنین جاکوبسون و مارگولین^۲ (۱۹۷۹) معتقدند که زوجین کارآمد و ناکارآمد در نسبت ارتباط خود با یکدیگر تفاوت دارند.

مک‌کی (۱۹۹۴) نیز معتقد است که رفتار غیرکلامی شاخص قوی برای تمایز خانواده کارآمد و ناکارآمد است.

بارکر (۱۹۸۶) معتقد است که ارتباط روشن، برخلاف ارتباط پوشیده به‌طورعموم مطلوب می‌باشد، حال آنکه ارتباطات پوشیده که مبهم، فریبنده و یا سردرگم هستند، احتمال تخریب و گیج شدن از سوی گیرنده را افزایش می‌دهد و به اضطراب منتهی می‌شود. اهمیت ارتباط روشن بین همسران به‌وسیله باس (۱۹۸۲) نیز مورد تأکید قرار گرفته و به‌وسیله اسکینر (۱۹۸۲) به عنوان یکی از عملکردهای سالم خانواده بیان شده است (اصلانی، ۱۳۸۳).

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های بای (۱۳۸۴)، اصلانی (۱۳۸۳)، صفرزاده (۱۳۸۳)، فقیرپور (۱۳۸۱) و مرادی (۱۳۷۹) همسو می‌باشد.

فرضیه پنجم: مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر همراهی عاطفی زوجین ناکارآمد، تأثیر مثبت دارد.

^۱. Satir V. Gerber J. and Gomori M.

^۲. Jakobsen n. S. & Margolin G.

فرضیه ششم: مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر آمیزش عاطفی زوجین ناکارآمد، تأثیر مثبت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و نتایج به‌دست آمده از تفاضل میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون نمرات دو گروه آزمایش و کنترل که در جدول ۲ نیز به نمایش گذاشته شده است، بیانگر این مطلب است که مشاوره گروهی با رویکرد ستیر بر همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی زوجین ناکارآمد تأثیر مثبت دارد.

در توجیه نتایج به‌دست آمده از فرضیه پنجم و ششم این نظریه مطرح می‌شود که برقراری ارتباط همخوان، صمیمیت عاطفی و هیجانی زوجین را افزایش می‌دهد. اگر زوجی بتواند با سبک ارتباطی همخوان با هم ارتباط برقرار کنند و عزت نفس بالایی داشته باشند نه تنها ارتباطات مؤثر و کارآمدی با هم پیدا می‌کنند بلکه این کار صمیمیت بین آنها را نیز افزایش می‌دهد. از طرفی دیگر با افزایش صمیمیت و همراهی عاطفی بین زن و شوهر حساسیت آنان نیز نسبت به همدیگر افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه باعث می‌شود که آمیزش عاطفی آنها نیز افزایش پیدا کند و این همان چیزی است که در فرضیه ششم مطرح شده است. اگر زوجین بتوانند این ایده نظری را پیدا کنند که بررسی و حل مشکلات را به‌عنوان راهی برای در کنار هم بودن و صمیمیت تلقی کنند، به‌طور مسلم هم در حوزه حل مشکل و در حوزه همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی کارایی مؤثرتری خواهند داشت.

فرضیه هفتم: مشاوره گروهی با رویکرد ستیر موجب کنترل رفتار زوجین ناکارآمد در روابط میان فردی آنان می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و نتایج به دست آمده از تفاضل میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل که در جدول ۲ نیز به نمایش گذاشته شده است نشان می‌دهد که مشاوره گروهی با رویکرد ستیر موجب کنترل رفتار زوجین ناکارآمد در روابط میان فردی آنها می‌شود. بنمن (۲۰۰۲) معتقد است که هر اندازه که سطح عزت نفس بالا باشد، نقشها مشخص و روشن باشند، انتظارات واقع‌گرایانه‌تر باشد و ارتباطات همخوان باشد، زوجین در کنترل رفتارهای خود و همسرانشان موفق‌تر خواهند بود. اینکه زوجین تا چه حد بتوانند انتظارات خودشان را برای همسرانشان بیان کنند، به همان میزان هم می‌توانند در کنترل رفتارهای نامطلوب همسرانشان و بهبودی رفتارهای آنها موفق‌تر عمل کنند.

۱. ابراهیمی، ا؛ ارتباط، ارتباط درمانی و الگوهای ارتباطی در خانواده؛ تهران: انتشارات غلامرضا روزبان و مؤلف، ۱۳۸۱.
۲. اصلانی، خ؛ نقش مهارتهای ارتباطی بر کارایی خانوادگی دانشجویان متأهل؛ پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده؛ تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، ۱۳۸۳.
۳. امینی، ف؛ مقایسه عملکرد خانواده و گرایش دانش آموزان دختر مستقل و وابسته به دیگران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۸.
۴. بارکر، ف؛ خانواده درمانی پایه؛ ترجمه: محسن دهقانی و زهره دهقانی؛ تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۵.
۵. بای، ر؛ اثر بخشی مشاوره گروهی با رویکرد التقاطی (ستیر، برن، شناختی - رفتاری) بر مهارتهای ارتباطی افراد در آستانه ازدواج شهر قزوین؛ پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۴.
۶. بهاری، ف؛ ارزیابی و مقایسه کارایی خانواده بین زوجین غیر طلاق و زوجین در حال طلاق مرجوعی به بخش روانپزشکی سازمان پزشکی قانونی کشور؛ پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره؛ تهران: دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۹.
۷. ثنایی ذاکر، ب؛ "ازدواج، انگیزه‌ها و پرتگاه‌ها و سلامت آن"؛ پژوهشهای تربیتی؛ ۳ و ۴، ۱۳۷۵، صص ۱۹-۴۳.
۸. ثنایی ذاکر، ب؛ مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج؛ تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۷۹.
۹. کلارک، د، و م. فربورن و ج. کریستوفر؛ دانش و روش‌های کاربردی رفتار درمانی شناختی؛ ج ۲، ترجمه: حسین کاویانی، تهران: انتشارات سنا، ۱۳۸۰.
۱۰. مک کی، ماتیو و همکاران؛ رابطه مؤثر مهارتهای زناشویی؛ ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران: انتشارات اسرار دانش، ۱۳۷۹.

	منابع
<p>۱۱. مرادی، مهناز؛ بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی زناشویی بر رضایت زناشویی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۹.</p> <p>۱۲. نجاریان، فریده؛ بررسی ویژگی‌های ابزار سنجش خانواده (FAD)؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد رودهن، ۱۳۷۴.</p> <p>۱۳. نوایی نژاد، شکوه؛ مشاوره ازدواج و خانواده درمانی؛ تهران: انتشارات اولیاء و مریبان، ۱۳۸۳.</p> <p>14. Banmen, J.; "The Satir model: yesterday and today; Contemporary Family Therapy", 24 (1): 7-22 , 2002.</p> <p>15. Caston, C.; Self directed skills nursing model : Decrease burnout in African-American caregivers; The University of Iowa, Iowa city, IA., 1994.</p> <p>16. Epstein, N.B., & L.M., Baldwin, & D.S, Bishop.; "The McMaster Family assessment Device"; Journal of Marital and Family Therapy, 9, 171-180, 1983.</p> <p>17. Jakobsen, N.S., & G., margolin; Marital therapy : Strategies based on social learning and behavior exchange Principle; New York: Burnner / Mazel, 1979.</p> <p>18. Satir, V.; Conjoint Family therapy; Palo Alto, CA: Science & Behavior Books,1983.</p> <p>19. Satir, V., Baldwin, M.; Satir step by step; Palo Alto, CA: Science and Behavior Books, 1983.</p> <p>20. Satir, V., & J., Gerber, M., Gomori; The satir model: family therapy and beyond; Palo Alto, CA: Science & Behavior Books,1991.</p> <p>21. Satir, V.; Making contact; Palo Alto; CA: Science & Behavior Books,1997.</p> <p>22. Weeks , R., Gerald, & R.,Treat, Stephen; Couples in treatment teaching and practice, Np Eption, 2001.</p>	